

مروری بر ابعاد تاثیر مدرنیته بر کاهش جمعیت در ایران

شیوا سیه‌بازی^۱، شهناز کهن^۲

^۱ دانشجوی دکترای تخصصی بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران ایران.

^۲ دکترای تخصصی بهداشت باروری، استادیار گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

نام نویسنده مسئول:

شیوا سیه‌بازی

چکیده

مقدمه: جامعه ایران در سیر تحولات ناشی از مدرنیته دچار تغییراتی در ساختار خانواده گردیده است بطوریکه روند نزولی رشد جمعیت در ایران طی سالهای اخیر در اثر تغییرات سبک زندگی و مدرنیته بسیار مشهود است، اهمیت بررسی این موضوع زمانی آشکار می‌شود که بدانیم در صورت ادامه این روند، در آینده بایبری جمعیت و مشکلات ناشی از آن مواجه خواهیم بود. براین اساس با توجه به نو ظهور بودن مفهوم، وسعت ساختار و چالش‌های موجود، مطالعه حاضر با هدف مروری بر ابعاد تاثیر مدرنیته بر کاهش جمعیت در راستای افزایش آشنایی ارائه دهندگان خدمات سلامت باروری انجام شد. **روش کار:** در این مطالعه مروری، مرور منابع و مستندات در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ کتابخانه‌ها (منابع تاریخی و جامعه‌شناسی)، گزارش‌ها و انتشارات رسمی و کشوری با استفاده از کلید واژه‌های مدرنیته، عوامل کاهش جمعیت، ازدواج، طلاق، فمینیسم، اعتقادات، اشتغال زنان و مصرف‌گرایی صورت گرفت. **یافته‌ها:** مدرنیته گاه‌با مبانی نادرست خود موجب تغییر فرهنگ و سبک زندگی دینی و در نتیجه جایگزینی سبک زندگی غربی شده است. این جایگزینی نقش بارزی در پدید آوردن بسیاری از مسایل و آسیب‌های اجتماعی دارد که کاهش جمعیت، یکی از آنها است. اگرچه تحقیقات متعددی در زمینه تحولات باروری در ایران انجام شده، اما تاکنون تاثیر ابعاد مدرنیته بر باروری کمتر مدنظر محققین قرار گرفته است. اما نتایج حاصل از مطالعات موجود، ارتباط بین مدرنیته و کاهش جمعیت را به اثبات رسانده‌اند که بررسی مروری تحولات جمعیتی ایران مستندی بر این ادعا خواهد بود. **نتیجه گیری:** با توجه به اهمیت نقش ابعاد مدرنیته در کاهش جمعیت ایران و با در نظر داشتن برخی آثار مخرب آن و با توجه به اینکه کاهش چشمگیر باروری در ایران در سه دهه گذشته پیامدهایی را نیز برای جامعه ایرانی به همراه داشته است، بررسی تاثیر ابعاد مدرنیته در تغییرات نگرش‌ها و رفتار باروری در این مقاله ضروری بنظر میرسد چراکه کاهش باروری در طولانی مدت منجر به کاهش تعداد جمعیت فعال و جوان کشور و به همان نسبت افزایش جمعیت سالمند می‌شود که این وضعیتی است که کشورهای غربی سالها قبل آن را تجربه کرده‌اند. **واژگان کلیدی:** مدرنیته، جمعیت، ایران.

مقدمه

جمعیت یکی از عناصر قدرت هر کشور و عامل مهمی در رشد و اعتلای فرهنگی و اقتصادی آن کشور است. اگر جمعیت کشوری به سمت پیری برود و تدابیری برای افزایش جمعیت و جایگزین کردن جمعیت جوان اندیشیده نشود، به زودی آن کشور با مشکلات عدیده ای مواجه خواهد شد. بی تردید کاهش جمعیت در ایران، معلول عوامل متعددی است که تأثیر مدرنیته و نفوذ سبک زندگی اخیر در لایه های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی ایرانیان، یکی از عوامل مهم کاهش جمعیت در کشور است (۱،۲). با نگاهی ظاهری به سبک های رایج زندگی امروزی در جامعه، به خوبی می توان ابعاد تأثیر مدرنیته را در زوایای گوناگون زندگی فردی و اجتماعی مشاهده نمود (۳،۴). مدرنیته به دلیل ماهیت رفاه طلب و لذت گرای خود، نقش اساسی در کاهش جمعیت داشته است که با برشمردن مواردی از آن، میزان این تأثیرگذاری روشن خواهد بود (۱). آنچه این مقاله به آن می پردازد مروری بر نقش ابعاد مدرنیته بر کاهش جمعیت در ایران است. به این منظور، ابتدا مفهوم و مبانی مدرنیته مورد کنکاش قرار گرفته و پس از آن ابعاد تأثیر مدرنیته بر کاهش جمعیت بررسی می گردد.

روش تحقیق

در این مطالعه با استفاده از کلید واژه های مدرنیته، عوامل کاهش جمعیت، ازدواج، فمینیسم، اعتقادات، اشتغال زنان، مصرف گرایی تمام مقالات مرتبط موجود در پایگاههای اطلاعات با جستجو در منابع مختلف علوم اجتماعی به دست آمده است. مقالات، گزارش ها، انتشارات رسمی سازمان های بین المللی و مؤسسات فعال در زمینه جمعیت نیز بررسی شد. مرور مستندات در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۱۷ صورت گرفت.

امروزه شاهد برهمکنشی ناسازگار بین برخی از اجزای مرتبط با خانواده سنتی با پاره ای از ارزشهای برخاسته از مدرنیته می باشیم. همچنین، به دلیل عدم سنخیت برخی از تحولات خانواده با تغییرات فعلی جامعه، این امر به منشأیی برای بروز آسیبها و مسائل اجتماعی شده است (۵). در بررسی کاهش جمعیت ایران، عوامل مختلفی دخیل بوده و درهم تنیدگی این عوامل به گونه ای است که امکان جداسازی عملی و مرزبندی مشخصی وجود ندارد (۱). در مجموع میتوان به عوامل فرهنگی چون تحولات هویتی، چشم و هم چشمی و افزایش نگرانیهای تربیتی، عوامل اقتصادی مانند تورم، بیکاری، بی ثباتی و بالا رفتن هزینه زندگی و تربیت فرزندان، عوامل اجتماعی همچون شهرنشینی، تحرک اجتماعی زنان، تحول در ازدواج و طلاق و عوامل سیاسی مثل سیاست گذاری و فرهنگسازی دولت برای کاهش جمعیت اشاره نمود (۶). قبل از معرفی ابعاد تأثیر مدرنیته بر کاهش جمعیت لازم است ابتدا به تبیین مفهوم مدرنیته پرداخته شود. واژه «مدرن» از ریشه لاتین **Mode** اقتباس شده است. این واژه در ساختار اصلی و ریشه ای خود به معنی به روز بودن است (۳). «مدرنیته» به تجربه زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، زیباشناختی و فکری گفته می شود که متضمن عقلانیت اداری و اقتصادی و تمایز و تفکیک جهان اجتماعی است (۴). مدرنیته گاهی با مبانی نادرست خود موجب تغییر فرهنگ و سبک زندگی شده که نقش بارزی در پدید آوردن بسیاری از مسایل و آسیبهای اجتماعی دارد که کاهش جمعیت، یکی از آنها است (۱).

ابعاد تأثیر مدرنیته بر کاهش جمعیت

۱- افزایش سن ازدواج

سن ازدواج رابطه ای نزدیک با بعد خانوار دارد. یعنی افرادی که در سنین بالاتر ازدواج می کنند، خانواده هایی کوچکتر خواهند داشت (۱). در گذشته، وقتی جوانی به سن ازدواج می رسید خواستگاری در مرحله اول توسط آشنایان نزدیک پسر انجام شده و پس از جلب رضایت اولیه پدر دختر، مراحل بعدی درباره شرایط ازدواج و مهریه آغاز می گردید. امروزه، احتمال ازدواجهای از قبل تنظیم شده به دلیل غلبه نظام خانوادگی هسته ای کمتر است (۷،۸) امر «تأخیر در سن ازدواج» در جامعه امروزی عمومی شده است. دیگر دختران و پسران در سنین پایین به خانه بخت نمی روند. جوانان به زندگی مجردی روی آورده اند که نشان دهنده تغییر الگوهای سنتی ازدواج است. بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۰ میانگین سنی زنان و مردان در اولین ازدواج طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ رشد چشمگیری داشته است که در جدول زیر می توان به این قیاس پرداخت:

جنس	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
مرد	۲۴/۱	۲۳/۸	۲۵/۶	۲۶/۲	۲۶/۷
زن	۱۹/۷	۱۹/۹	۲۲/۴	۲۳/۳	۲۳/۴

بالا رفتن سن ازدواج، هشداری برای جامعه بوده و رواج تجرد طولانی مدت، زمینه ساز آسیب های فردی و اجتماعی می باشد. می توان گفت اولین و بنیادی ترین کاردکرد ازدواج، ارضای نیاز جنسی می باشد که از طریق ازدواج پیامدهای مثبتی برای فرد و جامعه دارد در غیر این صورت مهار نشدنی است و به افزایش بی بندوباری و بزهکاری در جامعه می انجامد. آسیب هایی همچون روابط نامشروع، همجنس گرایی، تنوع طلبی جنسی، عدم ارضای ذهنی و غیره است. همچنین تأخیر در گرایش به ازدواج در بین جوانان، منجر به ظهور گونه ی جدیدی از خانواده با کمترین بعد خانوار، یعنی یک نفر می شود. خانواده تک نفری تشکیل شده از دختران و پسرانی که علی رغم سن مناسب ازدواج، تن به این امر نمی دهند و به خاطر اختلاف سلیقه و عقیده ای که با خانواده خود دارند و برای رهایی از کنترل شدید توسط والدین، ترجیح می دهند جدای از آنها به صورت مجردی و تنها زندگی کنند (۵،۹).

همچنین این برداشت مدرنیته در همسران و جوانان ایجاد شده که برای دستیابی به لذت بیشتر از زندگی، باید به هر شکل ممکن همه امکانات ضروری و رفاهی زندگی در آستانه ازدواج تأمین شود. گسترش این فرهنگ در جامعه سبب بالا رفتن توقع دختران، پسران و خانواده های آنها شده و در افزایش سن ازدواج تأثیر زیادی گذاشته زیرا بسیاری از جوانان نمی توانند در آغاز زندگی مشترک، تمامی امکانات را تأمین نمایند و تا زمانی که تمامی امکانات مورد نیاز خود و همسر خویش را آماده نکنند، ازدواج به تأخیر می افتد. تمایل زنان به تحصیل، از دیگر علل افزایش سن ازدواج در کشور است؛ زیرا در جامعه مدرن، اقتدار، تفسیری اقتصادی می یابد و ارزشگذاری انسانها بر مبنای درآمد بیشتر و دستیابی به موقعیت اجتماعی بالاتر صورت می گیرد و کسی که بهره مندی بیشتری از این دو داشته باشد، ارزشمندتر است. بنابراین زنان برای دستیابی به جایگاه ارزشمندی که مدرنیته تعریف نموده، ناچارند با تحصیلات بالاتر به شغل بهتر دست یابند تا هم درآمد بیشتری کسب نموده و هم به موقعیت اجتماعی بالاتری دست یابند و چون در دوره تحصیل، فرصت کمتری برای انجام امور خانه داری و مادری دارند، تا اتمام تحصیل، ازدواج را به تأخیر می اندازند که باعث افزایش سن ازدواج می شود و همین موضوع، جاذبه ازدواج در سنین پایین را به شدت کاهش می دهد و این موضوع، باعث کاهش باروری آنان نیز می گردد (۱). با توجه به یافته ها به نظر می رسد که جدای از عوامل اقتصادی و شاخص های توسعه، عوامل فرهنگی تعیین کننده ی قویتری در چگونگی تغییرات شاخص های ازدواج در برخی کشورهای منتخب به شمار می رود. (۱۰، ۱۱).

۲- افزایش طلاق

متأسفانه طبق بررسی های آماری ارائه شده در دهه های اخیر طلاق در کشور روندی رو به رشد داشته است؛ حتی بیشتر از میزان پیش بینی شده در برنامه پنج ساله چهارم که از ۵/۵ درصد پیش بینی شده به ۱۳/۵ درصد رشد رسیده است (۱۲، ۱۳). به نظر می رسد در روند رو به رشد طلاق در کشور، عواملی چون بیکاری، ترک انفاق، عدم تمکین، نبود تجانس فرهنگی، ناسازگاری، مصرف گرایی و... مؤثر بوده اند. از مجموعه این عوامل، دو عامل نقش بیشتری داشته که ریشه هر دو را باید در ارزشهای مدرنیستی جستجو کرد. عامل اول، انتخاب نادرست همسر است که به دلیل تغییر در ملاکهای انتخاب همسر، اصالت دادن به ملاکهای فرعی و غفلت از معیارهای اصلی روی است. عامل دوم، نفوذ اندیشه های مدرنیستی و فردگرایانه است که با ترجیح منافع فردی بر مصلحت خانوادگی، به افزایش ناسازگاری زوجین دامن زده و زمینه اختلاف و جدایی را فراهم می سازد. از آنجا که در اندیشه مدرنیستی، اصالت با فرد و خواسته های شخصی اوست، هر چیز که در رویارویی با این اصل قرار گیرد، باید از میان برداشته شود. بدون شک در زندگی مشترک، موقعیتهایی پیش می آید که زن یا مرد ناچارند خواسته شخصی خود را فدای مصلحت خانوادگی نموده، به جای واگرایی به همگرایی روی آورند. این رویکرد به دلیلی که بیان شد، با دیدگاه مدرنیستی و مبنای فردگرایی مدرنیته در تعارض است. از این رو، در فضای اندیشه های مدرنیستی، به جای تقویت روحیه جمعی و گذشت ایثار در خانواده که توصیه دین اسلام است و نقش بارزی در کاهش اختلافات خانوادگی و افزایش مهر و محبت همسران به یکدیگر و آرامش آنها در خانواده ایفای کند، به سادگی سخن از طلاق و جدایی به میان می آید (۱).

۳- رواج اندیشه های فمینیستی و تحقیر نقش مادری

فمینیسم به عنوان نهضتی که خواهان دفاع از حقوق زنان است در دهه ی ۱۸۴۰ در آمریکا آغاز شد و در قالب سه موج (سه دوره ی زمانی) مطالبات خود را مطرح کرد. فمینیسم در غرب گرچه پیامدهای مثبتی را نیز برای زنان به همراه داشت، اما با بررسی دقیق تر می توان با قاطعیت اعلام کرد که آثار منفی آن به مراتب بیشتر بوده است. یکی از پیامدهای فمینیسم که تحقیر نقش مادری می باشد، باعث کاهش نرخ رشد جمعیت در بسیاری از کشورها از جمله ایران شده است (۱۴). جامعه ایران در حوزه هایی از جمله افزایش سن ازدواج، کنترل جمعیت و افزایش مهد کودک ها و... همان مسیر تجربه شده ی غرب را پیموده است. در عصر مدرن، زنان نقش های دیگری نیز بر عهده گرفتند که با توسعه هر چه بیشتر جهان صنعتی، فرصت هایشان را برای ایفای نقش مادری کم تر و حتی نگرش آنان را نسبت به این امر منفی می نمود. از سوی دیگر، جنبش فمینیسم که ادعای برابری کامل زن و مرد را داشت، مادری را موقعیتی معرفی کرد که برابری را به مخاطره می اندازد

و سبب تهدیدات جسمانی، شغلی و اجتماعی برای زنان می شود. تأثیرات چنین تحوّل بر نظام خانواده می تواند نگران کننده باشد (۱۵، ۱۶، ۱۷). از سوی دیگر، یکنواخت بودن، تمام وقت بودن و در خانه بودن مراقبت از طفل، برای مادران جوانی که آموزشها و مهارتهای لازم را در این زمینه کسب نکرده اند و تا پیش از فرزنددار شدن، فعالیتهای اجتماعی داشته اند، مادری را فعالیتی طاقت فرسا و محل آسایش می نمایاند و زنان جوان را به آن بی رغبت می کند. رواج چنین دیدگاهی در جامعه ما سبب کاهش گرایش به مادر شدن و اصالت یافتن فعالیتهای شغلی زنان و دوری از نقشهای زنانه شده است (۱۸).

۴- تغییر بینش اعتقادی

اکثراً مدرنیته به دلیل ماهیت اومانیستی که جایگاه انسانی را به بُعد حیوانی و زندگی مادی دنیایی تنزل داده فقط به بهره وری حداکثری انسان از بهره های دنیوی تأکید دارد. از این رو، در این دیدگاه، اصالت سود و سرمایه حاکم است. به گفته بعضی صاحب نظران «سرمایه داری، روح حاکم برجریان مدرنیته است و در مدرنیته، انباشت سرمایه، اصل حاکم تلقی می شود» (۱۹). بر اساس این دیدگاه، وجود فرزند زیاد، موجب تحمیل هزینه های بسیاری است و چون اصالت، با انباشت سود و سرمایه است، داشتن فرزند زیاد، توجیه اقتصادی ندارد. از سوی دیگر اساس دیدگاه مدرنیستی تأکید آن بر رفاه بیشتر و لذت حداکثری است. با این بینش، شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» تفسیری اومانیستی می یابد. (۱).

۵- اشتغال زنان

فمینیسم با شعار برابری جنسی و تحقیر نقشهای مادری و همسری زن، سبب تدوین قوانین برابر برای زن و مرد در عرصه اشتغال و فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی شد و زنان را بدون آنکه استعداد و توانایی های جسمی و روحی آنها در نظر گرفته شود، به مشاغل سخت و مردانه و تمام وقت گماشت. در نتیجه میل به فرزندآوری و ایفای نقش مادری کم شده و نقش مادری نقشی فرعی قلمداد شد (۱). نکته ای که باید بدانیم این است که اشتغال حق زن است نه وظیفه ای او؛ اما وقتی تبدیل به حق شد انسان می تواند نسبت به آن، حق انتخاب داشته باشد. مثلاً اگر این حق او مانع از احقاق بعضی حقوق دیگر یا انجام برخی وظایفش شد، می تواند کم و زیادش کند اما وقتی تبدیل به وظیفه شد حتماً باید آن را انجام بدهد، به همین خاطر ابتدا باید جایگاه حق بودنش را به رسمیت بشناسیم و بدانیم که وظیفه نیست بلکه حق است. نکته دوم این است که وظایف و مسئولیت های خانوادگی مانند مادری و همسری وظیفه ای زن است و قابل جایگزینی نیست و ما باید به این مسئله هم توجه داشته باشیم که زن زمانی می تواند از حق اشتغال خود استفاده کند که به وظایف و رسالت اصلی او در خانواده که تربیت انسان است، ضربه ای نخورد برخی حضور اجتماعی زن را با اشتغال زنان مساوی می بینند، این یک معادل سازی غلط است که فرهنگ اروپایی آن را به ما القا می کند نباید حضور اجتماعی را معادل اشتغال ببینیم. حضور اجتماعی هم برای زن و هم برای خانواده و جامعه بسیار لازم است یعنی زنی که حضور اجتماعی نداشته باشد نمی تواند فرزندانش را به خوبی تربیت و یا ارتباط صحیحی با همسرش برقرار کند و از نظر خودش هم عقب می افتد پس حضور اجتماعی زن بسیار مفید است ولی الزاماً به معنای اشتغال تمام وقت نیست (۱۹).

۶- ترویج مصرف گرایی

در جهان بینی مادی که پیدایش آن با مدرنیته بود، جامعه به سمت تحریک اشتهاهای آدمی و کامیابی بیشتر از زندگی و در نتیجه روی آوردن به مصرف گرایی در حرکت است. مصرف گرایی، اصالت دادن به مصرف و هدف قراردادن رفاه و دارایی های مادی است. پس از غرب، کشورهای توسعه نیافته نیز با اثرپذیری از تبلیغات و عوامل دیگر به جامعه مصرفی تبدیل شدند. برای تسریع در سیر به سوی جامعه مصرفی، سیاستهایی چون برگزاری نمایشگاهها، تأسیس فروشگاههای بزرگ و زنجیره ای و ورود و عرضه کالاهای مصرفی ارزان قیمت اجرا شد. تفاوتی که جامعه مصرفی با پیش از خود داشت، این بود که پیشتر مصرف کالاهای فراوان ویژه طبقه ثروتمند و مرفه بود، ولی در جامعه مصرفی، مصرف این کالاها برای مردم عادی نیز رواج یافت. البته کالاهای گرانبیقیمت و با کیفیت بالا ویژه ثروتمندان و کالاهای ارزان قیمت و بی کیفیت تر ویژه مردمان عادی بود (۲۰). مصرف گرایی، سبب افزایش هزینه است. طبیعی است که وجود فرزند زیاد، مصرف بیشتر و افزایش هزینه بالاتر را به همراه دارد و چون هدف انسان در دوران جدید، مصرف گرایی و افزون سازی بهره مندی از زندگی معرفی شده و در این هدف، فرزندآوری کمتر مورد نظر قرار گرفته، خانواده ها ترجیح می دهند با داشتن فرزند کمتر و کاهش هزینه ها، مصرف بیشتر و در نتیجه رفاه و لذت افزونتری داشته باشند. این باور موجب کاهش سطح باروری و در نتیجه سیر نزولی رشد جمعیت شده است (۲۱).

بحث و نتیجه گیری

مدرنیته با تمام جنبش‌هایی که از دل آن جوشید، شیوه‌های زندگی انسان‌ها را به غایت دگرگون ساخت. هرچه انسان‌ها خود را بیشتر با ساختارهای مدرن همراه کنند، بیشتر در چنگال مدرنیته فرو می‌روند. مسایل فوق و امور مشابه آن‌ها باعث می‌شود که مباحث کنترل جمعیت اهمیت بیشتری پیدا کنند.

دردهه‌های اخیر جامعه ایران با نفوذ فزاینده ارزش‌های برابری خواهانه جنسیتی در جامعه به ویژه در بین زنان و دختران، مواجه بوده است. این امر پیامد فرآیند نوسازی به ویژه فراگیر شدن امکان آموزش و تحصیل برای جمعیت هر کشوری است که برای جمعیت آن تهدید بشمار می‌رود. البته ناگفته نماند که برخی سیاست‌های غیرمستقیم جمعیتی که در دو دهه گذشته با هدف کاهش سطح باروری زنان در کشور ما در پیش گرفته شد؛ مانند «افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم» و «افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی - اجتماعی جامعه» (بندج قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران) در تغییر سبک زندگی ایران و شکل گرفتن گفتمان ویژه در زمینه فرزندآوری بی‌تأثیر نبوده است. به همین دلیل برای تحقق سیاست جدید جمعیتی نظام جمهوری اسلامی و افزایش روند رشد جمعیت کشور، به جای دل بستن به برخی اقدام‌های مقطعی، سطحی و کم‌تأثیر همچون دادن سکه یا افزایش مدت مرخصی زایمان باید در پی اصلاح تدریجی سبک زندگی مردم و تغییر گفتمان شکل گرفته در جامعه بود (۲۲). تعلقات خانوادگی، قومی و محلی که همچنان فرد را به گروه‌های اجتماعی پیوند داده و مانع انزوای شدید اجتماعی و برخی از بیماری‌های روانی شده، به مثابه یک محافظ در برابر برخی از مسائل اجتماعی عمل می‌کند (۲۳) با نگاهی به مسائل و آسیب‌های موجود مرتبط با نهاد خانواده مثل افزایش سن ازدواج، افزایش آمارهای طلاق، وجود اختلافات درباره استقلال زنان و اشتغال آنها، خشونت‌های متنوع خانگی، افزایش روابط جنسی خارج از چهارچوب خانواده، مسائل ناشی از تقسیم کار و غیره، به نظر میرسد که از مهمترین راهکارها جهت برون رفت و ساماندهی به پاره‌ای از مسائل یادشده، توجه به الگویی از خانواده است که متناسب با شرایط کنونی جامعه ایران باشد. در ارائه الگویی از خانواده متناسب با جامعه ایرانی باید به این واقعیت توجه کرد که دین در طول تاریخ ایران نقش فراگیر و مهمی در نظام اجتماعی داشته است (۵). اگر چه جریان مدرنیته بر خانواده و تغییرات و تحولات آن مؤثر بوده است اما توجه به این نکته ضروری است که نباید به خانواده به عنوان یک واحد منفعل با این تغییرات «عامل فعال» که صرفاً پذیرای تغییرات است، نگاه کرد بلکه خانواده میتواند نظم اجتماعی جدیدی را شکل دهد. البته با دخالت‌های مؤثر و کارشناسانه اخیر از سوی مسئولان نهادهای دولتی و مجلس درباره ضرورت تجدید نظر در سیاست‌های باروری و کنترل جمعیت، میتوان انتظار داشت که از برخی مشکلات در این زمینه جلوگیری خواهد شد. ضروری است که نهادها خود را با شرایط جدید انطباق دهند و در راستای تغییرات حرکت کنند، در غیر اینصورت دچار مشکل شده و از ایفای کارکردهای خود بازمی‌مانند. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت عواملی که منجر به کاهش باروری شده را می‌توان در سطح کلان و سطح خرد دسته‌بندی کرد. در سطح کلان باید جامعه و تحولات آن را در نظر داشت و در سطح خرد به افراد به عنوان اعضای خانواده و تحولات آنها اشاره داشت. عمده‌ترین و اصلی‌ترین تحولی که در جامعه ایران در سطح کلان به وقوع پیوسته، گام نهادن در مسیر صنعتی شدن و ورود به دنیای مدرن است. در سطحی خردتر اعضای جامعه متأثر از این جریان‌ها شده، تغییر رفتار و تغییر نگرش می‌دهند. نهادینه شدن این تغییرات در افراد به عنوان اعضای تشکیل دهنده خانواده، در نهایت منجر به تغییرات خانوادگی می‌شود. ولی همانگونه که در قبل گفته شد خانواده اسلامی این توان و ظرفیت را دارد که با تأسی به آموزه‌های بی‌بدیل اسلام، از این چالش‌ها عبور نموده و تهدیدها را به فرصت تبدیل نماید.

این مقاله تلاش نمود مروری از تأثیرات ابعاد مدرنیته بر کاهش جمعیت که ناشی از کارکردهای ضعیف خانواده است را ارائه نماید تا با بینشی عمیق تر درصدد از بین بردن این آثار مخرب آن برآییم، اما بدون شک، برای مصون ماندن از پیامدهای منفی مدرنیته بر کاهش جمعیت و خانواده و حفظ این نهاد ارزشمند، عزم عمومی و بسیج همگانی لازم است. بر این اساس، در پایان این مقاله، پیشنهادهایی در قالب راهبردها ارائه می‌گردد:

- ۱) تدوین الگوی جامع خانواده مبتنی بر مؤلفه‌های هویت ملی و دینی برای جلوگیری از رواج الگوهای زودگذر خانواده
- ۲) بازتعریف هویت زنانگی و مردانگی بر پایه دیدگاه اسلام و معرفی آن به جامعه از طریق رسانه‌ها
- ۳) بازنمایی تأثیر زنان ایرانی در پویایی جامعه و در تقویت خانواده در سال‌های پس از انقلاب اسلامی از طریق رسانه‌ها
- ۴) گفتمان سازی در زمینه سبک زندگی و خانواده ایرانی اسلامی در رویارویی با گفتمان‌های رقیب و غیر که عمدتاً برخاسته از جهان بینی و فکرت غربی اند
- ۵) انجام پژوهش‌های راهبردی و پوشش خلأهای قانونی در زمینه وام‌های ازدواج و مسکن، باروری، خانواده‌های تک سرپرست و بدسرپرست، اشتغال زنان و نظایر آن.
- ۶) تقویت مناسبات بین نسلی با تکیه بر اشتراکات مذهبی
- ۷) افزایش اطلاعات دینی والدین در زمینه تربیت فرزند و تقویت احساس مسئولیت در خود، نسبت به تربیت صحیح فرزندان.

- ۸) تهیه کتاب های کم حجم و بروشورهای جذاب و پرمحتوا در این زمینه
- ۹) پاسخ گویی به نیازهای عقیدتی و اخلاقی دانش آموزان با اصلاح متون درسی و نهادینه سازی رفتار دینی در آنان .
- ۱۰) تلاش در جهت ساخت و پخش برنامه هایی که در راستای تقویت نظام خانواده و بیانگر وظایف و مسئولیت های هر یک از اعضای خانواده باشد .
- ۱۱) فرهنگ سازی در جهت ترویج ازدواج های سالم و کم هزینه و به تصویر کشاندن معیارهای صحیح انتخاب همسر در قالب فیلم و یا برنامه های جذاب و آموزنده .
- ۱۲) پرهیز از پخش فیلم ها و برنامه هایی که در آن با ترویج فرهنگ تجمل گرایی، مصرف گرایی، اختلاط نقش زن و مرد و مهم جلوه دادن اشتغال زن و تحقیر نقش مادری و همسری زن با تقلید از فرهنگ غربی، منجر به تضعیف نظام خانواده گردد .
- ۱۳) آگاهی افزایی در جهت مدرنیته و جریان فکری و فرهنگی غرب، چگونگی ورود آن به کشورمان و برملا نمودن اهداف پشت پرده
- ۱۴) اصلاح اصول و سیاست های حاکم بر نظام آموزشی

منابع و مراجع

- [۱] جوکار، محبوبه. ۱۳۹۳. مدرنیته، تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده سال دوم / شماره دوم / ۳۹-۶۹
- [۲] آزاد ارمکی، تقی. ۱۳۸۶. جامعه شناسی خانواده ایرانی. تهران: سمت.
- [۳] بیات، عبدالرسول. ۱۳۸۱. فرهنگ واژه ها. قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- [۴] گبینز، جان. ۱۳۸۱. سیاست پست مدرنیته. ترجمه منصورانصاری. تهران: گام نو.
- [۵] ایمان عرفان منش، سهیلا صادقی فسای. بهار ۱۳۹۲. تحلیل جامعه شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی: زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، شماره ۱
- [۶] مرکز تحقیقات زن و خانواده. ۱۳۹۲. تحولات جمعیتی ایران: عوامل، پیامدها، راهبردها. قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده.
- [۷] احمدی، وکیل. ۱۳۹۰ بررسی تحولات خانواده در طی فرآیند گذار جمعیتی با تأکید بر کشور ایران، پایان نامه دکتر، رشته جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه اصفهان.
- [۸] لوکاس، دیوید و میر پاول. ۱۳۸۴. درآمدی بر مطالعات جمعیتی، (ترجمه حسین محمودیان)، چاپ دوم، تهران. دانشگاه تهران.
- [۹] علی احمدی، امید، ۱۳۸۹، تحولات معاصر خانواده در شهر تهران، نشر شهر، تهران.
- [۱۰] کهون، لارنس (۱۳۸۷). متن هایی گزیده از مدرنیسم تا پست مدرنیسم. ویراسته عبدالکریم رشیدیان، تهران، نی
- [۱۱] دکتر خلیج آبادی فراهانی. فریده، رحیمی علی، بررسی روند تغییرات شاخص های ازدواج در ایران در مقایسه با سایر کشورهای آسیا و اقیانوسیه طی چهار دهه ی گذشته ۲۰۱۰-۱۹۷۰.
- [۱۲] امیدوی شهرکی، مجید (۱۳۸۷). نگاهی نو به ازدواج به موقع، آگاهانه، آسان و پایدار
- [۱۳] نبی نوشین، نوری داوود، طرح پژوهشی، تهران، سازمان ملی جوانان
- [۱۴] مکنون، ثریا. ۱۳۸۴، «فمینیسم و روسپی گری»، کتاب زنان، فصلنامه علمی - پژوهشی شورای اجتماعی - فرهنگی زنان، شماره ۲۸، سال هفتم،
- [۱۵] کارولین، گراگلیف (۱۳۸۶). آرامش درخانه، مجموعه مقالات فمینیسم و خانواده، ترجمه مریم فرهمند. تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
- [۱۶] چراغی کوتیانی، اسماعیل ۱۳۸۶. فمینیسم و نوع نگاه به خانواده ماه نامه معرفت، ش ۱۱۶، ص ۶۶-۴۹
- [۱۷] حاجیانی، ابراهیم و اخلاقی، آزیتا. ۱۳۸۹. پیش بینی و آینده نگری تحولات ساختاری نهاد خانواده در ایران (با تأکید بر نظریه سنت و مدرنیسم) مجموعه مقالات، همایش ملی آینده پژوهی مسائل خانواده، ایران تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ۲۲۹ ص
- [۱۸] علاسوند، فریبا. ۱۳۹۰. زن در اسلام. قم: نشر هاجر.
- [۱۹] مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری. ۱۳۸۸. آسیب شناسی خانواده (مجموعه مقالات) به اهتمام جعفر حق شناس. تهران: مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری
- [۲۰] سیدی نیا، علی اکبر. ۱۳۸۸. مصرف و مصر فگرایی از منظر اسلام و جامعه شناسی اقتصادی. فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۳۴(۹)، ۱۸۹-۱۴۳
- [۲۱] افشارکهن، جواد، صادقی، رسول. ۱۳۸۵. تعامل جمعیت و نظام اجتماعی. نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۲(۱). ۲۱۵-۱۹۵
- [۲۲] آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹) جامعه شناسی ایران: جامعه شناسی مناسبات بین نسلی، چاپ اول، تهران: علم.
- [۲۳] معیدفر، سعید (۱۳۸۵) جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، چاپ اول، همدان: نور علم.